



حمید سبزواری (شاعر) امیر حسین فردی(نویسنده) ابوالفضل عالی(گرافیست) شهید رسول کالیفرنژاد(عکاس) حسن شایانفر (محقق) شهیداحمد زارعی(شاعر) مهرداد اوستا (شاعر) نصرالله مردانی (شاعر) سوبدنیایانیاپالی(اگر بکارتیست) حبیب‌الله معلمی(شاعر) علیرضا قزوئ(شاعر) محمد علی گودینی(نویسنده) محمد علی محمدی(نویسنده) مرحوم شهریار(شاعر) محمد مهدی سباز(شاعر) سیمین‌دخت‌وحیدلی(شاعر) علواتیان(نویسنده)تصورگر(شاعر)

کس باور و اعتقاد خودش را داشته باشد و مورد حمایت هم قرار بگیرد. این به این معنا نیست که هر اثری که ازش تقدیر می‌شود، سفارشی باشد. برای مثال هنرمند ارجمند و بزرگی مثل میربایقری تاریخ‌ساز است. رسانه‌ها و مخاطبین هم همراهش هستند. هیچ وقت هم از اعتقاد خودش

در نگاه دیگری بازگو می‌شود حتی ادا نشده است، نظر شما چیست؟
این ادعا مسئله‌ای بوده که در مطبوعات بسیار به آن پرداخته شده و جو روشنفکری این بحث را پُتکی کرده بر سر شاعران متعهد. بر خلاف اسمش که خیلی ظاهر آشکاری دارد که به درد مناقشات

می‌شد، قسمت مهمی از خلأموجود رفع می‌شد. البته تا حدودی، ولی نه حد انتظار. تاثیراتی در داخل و خارج کشور داشته‌ایم. برای مثال بر شعر افغانستان بسیار تاثیرگذار بوده‌ایم. ابوطالب مظفری، ضیا قاسمی، محمد کاظم کاظمی، سید رضا محمدی و سعید فضل‌الله قدسی از جمله

رنج‌ها و مسائل یک زن در اجتماع باشد.
آثاری داریم که از نگاه همسران شهدا به دفاع مقدس نگریسته شده و در این آثار از وفاداری، صبوری، همراهی آنها با مقوله جنگ و انقلاب، ایستادگی و مقاومتشان برای آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب با همان ابعاد زبانه خود نه با فکر و زبان

اشاره
محمدرضا وحیدزاده، متولد سال ۱۳۹۴در تهران، کارشناس زبان و ادبیات فارسی و کارشناس ارشد پژوهش هنر است. او همچنین عضو گروه علمی ادبیات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی است. وحیدزاده منتقدی است که در کنار شاعری به کار تحقیق و پژوهش در هنر و ادبیات معاصر نیز مشغول است. او تا کنون مقالات و یادداشت‌های بسیاری را در موضوعات مختلف در مطبوعات منتشر کرده است. از او

همچنین دو مجموعه شعر به نام‌های «آروار» و «پیشوا» به چاپ رسیده است. اثر پژوهشی «سبک‌شناسی هنر انقلاب اسلامی» و سفرنامهٔ «ماهی‌خوران» از دیگر آثار منتشرهٔ اوست. وحیدزاده در حال حاضر مشغول پژوهش و تحقیق بر روی تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی است.

تداوم مسیر پر خروشی شعر انقلاب اسلامی با پویندگی شاعران جوان و متعهد

خارج نشده است. نمی‌شود گفت که میربایقری سفارشی‌ساز است.
اتفاق هنر ریاکارانه آن است که هنرمند اثری خلق کند بدون اینکه به آن اعتقاد داشته باشد. برای جلب پول و حمایت. شاعری که هیچ‌گاه تجربه عاشقانه‌ای نداشته اما در شعر از عشق می‌گوید تا مخاطبان فضایی مجازی را به خود جلب کند هنرش ریاکارانه است.

هنرمندی که دفاع مقدس را نمی‌شناسد و به آن باور ندارد، اما از جنگ می‌گوید تا حمایت‌هایی را به سوی آثارش جلب کند هنرمندی ریاکار است و نویسنده‌ای هم که اصلا نمی‌داند روشنفکری چیست و بویی از آن نبرده است، اما به طمع خوشامد فلان جشنواره و فلان رسانه، به یک سری اداها و اطوارهای در می‌ویزد و تظاهر به روشنفکری کند، در حقیقت دارد دورویی و چه اثری را تدارک ببینید؟

البته بخشی هم طبیعت بازار هنر است که هر

یک نشانه

تحکیم فراغه زمان قدم برداشتند؟
مگر در دوران طاغوت نبود که باورقوی‌های مبتذل نشریات زرد حکومتی و خصوصی، رغبت به داستان غبی را در مخاطبان نابود یا کم‌رنگ کرده بود؟

قلعاً یک مخاطب و خواننده جدی ادبیات داستانی به دور از حب و بغض تصدیق خواهد کرد که ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ملهم از اسلام و گفتمان انقلاب اسلامی، دگرگونی و میدادی بزرگ یافت. مفاهیم ارزشی‌وار ادبیات داستانی شد. گفتمان انقلاب که در برگزیده فضائی چون ایثار و شهادت است بر مفاهیم دنیوی تفوق پیدا کرد. قلم‌ها پاکیزه شدند. تاریخ ایران هدف اعتنا و تحلیل قرار گرفت. ادبیات منتقدانه سربرآورد. زبان فارسی محترم شمرده شد. سنت در جایگاه والا نشاندنه شد. با این وصف ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی سترون است؟
آشزری چون «دا»، «پایی که جا ماند»، «خاک‌های نرم کوسک»، «نورالدین پسر ایران»، «تن تن و سنبداه»، «نجنم مخفی» و...سمره ادبیات سترون و بی‌مخاطب است؟
ضد انقلاب به اندازه‌ای با منطق و انصاف و علم‌ورزی بیگانه‌است که بدبهنای چون ادبیات داستانی غبی و بارور دوران انقلاب اسلامی را نادیده می‌انگارد و دشنام می‌دهد. آیا این مهم؛ خود گناه و نشانه‌ای برای آماردیمی قلم‌های متعهد انقلابی و ادبیات داستانی دوران حاضر ایران بوده است؟ بر عکس؛ چند نفرشان در راه نیست؟



■ محمد مهدی سباز
قلاده‌های طلا
سخت است گفتن اما / زان سخت‌تر نگفتن
این‌راز برملا را / از این‌و آن نپفتن
در جامه شبانی / گسرگان روزمزدند
با قافله رفیقند / اما شریک دزدند
در سر هزار فتنه‌ / نبرنگ‌های رنگی
اهل کدام مرزند / این رومیان زنگی
اوضاع از این قرار است / این اصل ماجرا بود:
پاداش گردن کج / قلاده طلا بود
مشغول درس و مشقند / سرگرم رونویسی
سر می‌رسند ناگاه / با کیف انگلیسی
هم همنشین دشمن / هم هم‌بپاله با دوست
با همهمه خوشند و / سوغاتشان هیاهوست
اوضاع از این قرار است / این اصل ماجرا بود:
پاداش گردن کج / قلاده طلا بود

شاعران افغانستانی هستند که با شاعران انقلاب گذرگو داشته‌اند و بسیار از شعر انقلاب تاثیر پذیرفته‌اند. ما روی شعر تاجیک هم به واسطهٔ سال‌ها حضور علی موسوی گرمارودی و علیرضا قزوئ در آن کشور به عنوان رایزن فرهنگی و وابسته فرهنگی تاثیراتی داشته ایم. حتی گاهی می‌بینیم که در دیدارهای سالانه شاعران با مقام معظم رهبری این دوستان حضور پیدا می‌کنند. اگر همین میزان ارتباط هم نبود، تاثیرگذاریمان در حد امروز هم نبود، نقش علیرضا قزوئ در ارتباط با شاعران هند هم بسیار نقش مهم و اثرگذاری بوده است. اما در مجموع باید اعتراف کنیم که می‌توانستیم گام‌های پررنگ تری برای ارتباط گیری با شاعران مبارز و آزاده جهان برداریم.

*** به نظر شما انتظار مخاطب امروز از شعر انقلاب نسبت به سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی چه تغییراتی دارد؟**

انتظارات تفاوت دارد، چون مخاطب امروز به اقتضای تحولات و دگرگونی‌های روزگار با مخاطب سال‌های گذشته فرق کرده است.
آرمان‌ها باید همان‌های که بوده باشد و هست. ما هنوز هم به سه ارزش‌هایمان پایبندیم. همه آن چیزهایی که در سال ۵۷ و قبل از آن ما را گردهم آورد و این هم‌صایب و همراهی را شکل داد، آن فک مشترکی که در سپیده دم انقلاب اسلامی پدیدار شد، هنوز هم با برجاست و ما همچنان با قدرت حضور داریم. آن آرمان‌ها هنوز زنده‌اند؛ آرمان عدالت‌خواهی، آزادی، تن ندادن به ستم

شعر انقلاب اسلامی شاعری است که با جنبه‌های مختلف زندگی پیوند ناگسستنی دارد و سعی می‌کند به همه ساحت‌های زندگی تک بعدی نباشد.

یک مرد مبارز، سخن گفته‌اند. ملازا صبری زینبی و فاطمی گفته‌اند که همسر یک جانباز یا دختر یک شهید و مبارز می‌تواند داشته باشد.
راجع به زنان عاشورایی، شخصیت‌های تاریخی، زندگی و زیستن در این عالم را تقلیل داده به خودشان را فقط در سوگ سروده‌ها و اشعار آیینی و سروده‌های حماسی محدود کرده باشد. فقط به این جنبه از زیست انسان معطوف نیست. نه به شعر مبارزه تقلیل یافته و نه صرفاً به بیان مواضع سیاسی می‌پردازد. شعر انقلاب اسلامی به همه جنبه‌های زندگی توجه دارد و همه موارد بالا را به انضمام جنبه‌های عاطفی و تغزلی در بر می‌گیرد. این را در آثار همه شاعران شاخص شعر انقلاب

اسلامی نظیر قیصر امین‌پور، سید حسن حسینی، سلیمان هراتی، علیرضا قزوئ و دیگران می‌بینید که هم وغدغه‌های اجتماعی دارند، هم به گذشته می‌نگرند و هم از عاشوروا عبرت می‌گیرند و هم چشم به افق‌های روشن پیش رو دارند و منتظر موعودند. در مصایب اهل بیت (ع) سوگواریند و برای زندگی امروز حرف و نظر دارند، و در عین حال که به مبارزه فکر می‌کنند، از عواطف و احساسات خود نیز سخن می‌گویند. حتی برای نزدیکان، هم‌سنگر

و گاه همسر خود شعر دارند، مثل اشعار قیصر امین‌پور برای همسرش که یکی از بهترین عاشقانه‌های ادبیات معاصر است.

*** شخصیت زن ایرانی در آینه شعر انقلاب چطور تبلور می‌یابد؟**

هویت شعر انقلاب اسلامی وابسته به شعر اعتراض است. اعتراض نسبت به آنچه عدول از ارزش‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌ها با انحرافاتی که در مسیر انقلاب دیده می‌شود و خواستار بازگشت به مسیر انقلاب و آرمان بودن.

نگاه شعر انقلاب اسلامی به زن نگاهی انسانی و متعادل است. شعر انقلاب اسلامی زن را در جایگاه واقعی خودش می‌بیند. سعی می‌کند آن را همان‌طور که هست بپذیرد و بازنمایی کند، نه آن را نفی می‌کند و نه تحریف. در واقع به جنبه‌های زنانگی‌اش همان گونه که هست می‌پردازد. نمی‌خواهد او را رقیب مرد بداند و در جایگاه مرد نبشاند. نقش‌هایی را که برای مرد با توجه به فطرت انسانی و خلقت الهی در نظر گرفته شده به زن منتسب نمی‌کند و این دورا در یک رقابت نابرابر در شرایط نامساعد عرصه‌های اجتماعی قرار نمی‌دهد. زن را در همان جایگاهی که هست، همان جایگاه لطیف و زنانه خودش به تصویر می‌کشد. زن در شعر انقلاب اسلامی حضوری جدی دارد، به ویژه در شعرهای دفاع مقدس و در شعرهای آرمان‌گرای انقلاب اسلامی. رقیبی برای مرد و در نزاع با جنس مخالف نیست. در همان موقعیتی که قرار دارد به عنوان همسر، مادر و خواهر به تصویر کشیده می‌شود. گاهی با موضوع دختران و زمانه شهدا آثار ارزشمندی خلق شده‌اند و گاه آثاری را می‌بینیم که شاعرانشان زن بوده‌اند و گاهی هم مردان خوششان، عواطف و احساساتشان را در موقعیتی قرار داده‌اند که بتوانند نقش و جایگاه یک زن را درک کنند و متوجه عواطف و دغدغه‌ها و

شعر انقلاب چطور با آرمان‌گرایی‌های شاعر پیوند می‌خورد؟
اتفاقاً به نکته خوبی اشاره کردید و سؤال بسیارخوبی است، چرا که پاسخ به این سؤال می‌تواند بهتر ماهیت شعر انقلاب اسلامی را روشن کند. شعر انقلاب اسلامی شعری است که با جنبه‌های مختلف زندگی پیوند ناگسستنی دارد

نگاه شعر انقلاب اسلامی به زن نگاهی انسانی و متعادل است. شعر انقلاب اسلامی زن را در جایگاه واقعی خودش می‌بیند. سعی می‌کند آن را همان‌طور که هست بپذیرد و بازنمایی کند، نه آن را نفی می‌کند و نه تحریف. در واقع به جنبه‌های زنانگی‌اش همان گونه که هست می‌پردازد. نمی‌خواهد او را رقیب مرد بداند و در جایگاه مرد نبشاند. نقش‌هایی را که برای مرد با توجه به فطرت انسانی و خلقت الهی در نظر گرفته شده به زن منتسب نمی‌کند و این دورا در یک رقابت نابرابر در شرایط نامساعد عرصه‌های اجتماعی قرار نمی‌دهد. زن را در همان جایگاهی که هست، همان جایگاه لطیف و زنانه خودش به تصویر می‌کشد. زن در شعر انقلاب اسلامی حضوری جدی دارد، به ویژه در شعرهای دفاع مقدس و در شعرهای آرمان‌گرای انقلاب اسلامی. رقیبی برای مرد و در نزاع با جنس مخالف نیست. در همان موقعیتی که قرار دارد به عنوان همسر، مادر و خواهر به تصویر کشیده می‌شود. گاهی با موضوع دختران و زمانه شهدا آثار ارزشمندی خلق شده‌اند و گاه آثاری را می‌بینیم که شاعرانشان زن بوده‌اند و گاهی هم مردان خوششان، عواطف و احساساتشان را در موقعیتی قرار داده‌اند که بتوانند نقش و جایگاه یک زن را درک کنند و متوجه عواطف و دغدغه‌ها و

شعر انقلاب چطور با آرمان‌گرایی‌های شاعر پیوند می‌خورد؟
اتفاقاً به نکته خوبی اشاره کردید و سؤال بسیارخوبی است، چرا که پاسخ به این سؤال می‌تواند بهتر ماهیت شعر انقلاب اسلامی را روشن کند. شعر انقلاب اسلامی شعری است که با جنبه‌های مختلف زندگی پیوند ناگسستنی دارد

شعر انقلاب چطور با آرمان‌گرایی‌های شاعر پیوند می‌خورد؟
اتفاقاً به نکته خوبی اشاره کردید و سؤال بسیارخوبی است، چرا که پاسخ به این سؤال می‌تواند بهتر ماهیت شعر انقلاب اسلامی را روشن کند. شعر انقلاب اسلامی شعری است که با جنبه‌های مختلف زندگی پیوند ناگسستنی دارد

بیدل با سبک صائب دارای تمایزاتی است یا حتی سبک هندی داخل ایران تمایزاتی با سبک هندی در شبه قاره دارد، لذا هر موقع زاویه نگاهتان را تغییر دهید، می‌توانید از منظرهای مختلف ببینید. بر همین اساس از یک زاویه کلان نگرتر می‌توانیم از شعر انقلاب اسلامی صحبت کنیم، اما در نگاه جزئی‌تر می‌توانیم به دهه‌ها و دوره‌های متفاوت تاریخی تقسیم‌ش کنیم. در دل همین دوره‌ها می‌توانیم از گرایشهای دیگری اسم ببریم. همانا شعر انقلاب اسلامی یک دورهٔ تاریخی صرف نیست. خرده جریان‌های دیگری را در خود دارد. می‌توانیم از شعر اعتراض، دفاع مقدس، مقاومت، شعر سیاسی اجتماعی و... نام ببریم که همگی در دل شعر انقلاب می‌گنجد. حتی شعر عاشقانه انقلابی‌متمایز از عاشقانه‌های پیش از خودش است.

*** جایگاه شعر اعتراضی در دفتر شعر انقلاب اسلامی کجاست؟**

شعر اعتراض یکی از زیر شاخه‌های شعر انقلاب اسلامی است. اصلا هویت شعر انقلاب اسلامی وابسته به شعر اعتراضی است. مهم‌ترین شاعران انقلاب اسلامی از شاعران اصلی شعر اعتراض؛ مثل سعید حسن حسینی، علیرضا قزوئ، سلمان هراتی، محمد کاظم کاظمی و... خیلی از این شاعران دارای آثار در زمینه شعر اعتراض هستند، انقلاب نسبت به آنچه عدول از ارزش‌های انقلاب اسلامی دانسته می‌شود، اعتراض به نادیده گرفته شدن هنجارها و ارزش‌ها یا انحرافات که در مسیر انقلاب می‌دیدند و خواستار بازگشت به مسیر انقلاب و آرمان‌ها بودند. در واقع این جریان جریان مهمی در شعر انقلاب اسلامی بوده و همیشه هم زنده بوده است.

محمدرضا عبدالملکیان و محمد حسین جعفریان از جمله شاعران این جریانند. علی محمد مودب، علی داوودی، مهدی سباز، میلاد عرفان‌پور، آثار بسیاری در همین زمینه سروده‌اند. شعر انقلاب اسلامی بی تفاوت نیست. کنشمند است. مستقل از دولت‌ها نسبت به آرمان‌هایی که دارد در جای که می‌بیند انحرافات بی‌بند، واکنش نشان می‌دهد.

*** چطور می‌توان با هنر شعر انقلاب اسلامی هم نقد داشت و هم ارزش‌ها را منتقل کرد و شناساند؟**

اساساً انتقال ارزش‌ها و نگاه اعتراضی درهم پیچیده‌اند. نمی‌شود به چیزی اعتقاد داشت و از ضد آن رویگردان نبود. همیشه اثبات و نفی همراه است. شاعران انقلاب اسلامی در دفاع از ارزش‌ها و ایستادن پای آرمان‌هایی که به آنها باورمند بوده‌اند، اعتراض داشته‌اند به آنچه که در قبال خودشان با این باورها و ارزش‌ها بوده است. با بیان اعتراضی و انتقادی خود، می‌بلاخظه، صریح، هنرمندانه، شاعرانه، وغدغه‌مند و دردمند از این ارزش‌ها سخن گفته‌اند و از این کژی‌ها انتقاد کرده‌اند. این دو رویکرد در هنر و ادبیات انقلاب اسلامی در هم آمیخته و به هم پیوسته‌اند.

*** جنبه‌های راماتیک و غزل‌گونه در بستر شعر انقلاب چطور با آرمان‌گرایی‌های شاعر پیوند می‌خورد؟**

اتفاقاً به نکته خوبی اشاره کردید و سؤال بسیارخوبی است، چرا که پاسخ به این سؤال می‌تواند بهتر ماهیت شعر انقلاب اسلامی را روشن کند. شعر انقلاب اسلامی شعری است که با جنبه‌های مختلف زندگی پیوند ناگسستنی دارد

*** چنانچه ظلم ستیزی و استکبار ستیزی ویژه‌ترین شاخصه شعر انقلاب باشد، بدیهی است که برخی‌اشعار زاییده تفکرات چپ در قبل انقلاب نیز شعر انقلاب تلقی شوند، اما کدام ویژگی‌ها شعر انقلاب اسلامی را منحصر به فرد و تبلور یافته در دامن انقلاب اسلامی معرفی می‌کند؟**

شعر انقلاب اسلامی از خود انقلاب اسلامی جدا نیست. شعری متاثر، همزاد و برآمده از انقلاب اسلامی است. سال ۴۲ که حضرت امام(ره) نهضت خود را شروع کردند و گروهی از انقلابیون با ایشان همراه شدند، شعر انقلاب اسلامی از همان زمان و از همان ابتدای انقلاب اسلامی به میدان آمد. هر چه جلوتر آمدیم، متمایزتر شد، بیشتر خودش را پیدا کرد، همچون انقلاب که در طول این سال‌ها بارورتر شده است. انقلاب را نه به معنای یک واقعه تاریخی در یک زمان مشخص، بلکه به عنوان یک حرکت، یک تحول عظیم در زندگی گروهی از مردم باید تعریف کرد؛ انقلاب به معنای تحول در زیست یک جامعه، به عنوان یک حرکت پیش رونده و یک حرکت نو در نظر گرفته می‌شود. به این معنا انقلاب بر همه ساحت‌های زندگی انسان عصر خودش تاثیر گذاشت. شعر و هنر هم یکی از این ساحت هاست، متاثر از زمانه خودش. شعر انقلاب اسلامی پیش آمد و با ادامه یافتن حرکت انقلاب، با پیروزی، با رشد و تکامل انقلاب، با درگیری‌های پس از انقلاب، با جنگ و سازندگی‌اش، شعر انقلاب هم تحول یافت و رشد کرد. روشی‌ها و ریزش‌هایی هم داشت. در نهایت طی سال‌های بعد خودش را پیدا کرد، به شخصیت تثبیت شده‌تری رسید و به سبک مشخصی دست یافت.

در طول همه این سال‌ها طبعاً جریان انقلاب اسلامی با جریان‌ها و گرایش‌های دیگری هم مسیر بوده یا تنه به تنه آنها گذاشته، تاثیر گذاشته یا تاثیر پذیرفته است. همچنانکه خود انقلاب اسلامی این گونه بوده است. انقلاب اسلامی از ابتدای نهضت با گروه‌های دیگری در ارتباط بوده؛ از جمله آنها جریان چپ یک جریان ریشه کرده در خیلی از کشورها اما متکی به بیگانگان و به بلوک شرق بود. این جریان قبله آملش آن طرف مرزها بود، هنر و ادبیاتش هم همین طور، متکی به گفتمان آن طرف مرزها بود. مباحث نظری و تئوریکش از آن سو می‌آمد و تر ترجمه می‌شد.

شعر انقلاب اسلامی که با ادبیات و هنر کمونیستی هم مسیر بوده، تنه به تنه هم می‌زدند، حتی جاهایی بر هم تاثیر گذاشتند. برخی شاعران چپ متاثر از گرایش‌های مذهبی، گرایش‌های اعتقادی انقلابیون و شاعران حضرت‌امام(ره) آثاری را خلق کردند، ولی به مرور هر چه جلوتر آمدیم، شعر انقلاب بیشتر خودش را پیدا کرد و شخصیت خودش را ساخت. حتی در آغاز راه در برابر مبارزین و به تیب آن شاعران برخاسته از جریان روشنفکری، اعتماد به نفس نداشت، ولی هر چه جلوتر آمدیم، شخصیت متمایزتری با اتکا به روشنگری‌های بسیاری از انقلابیون مثل شهید مطهری و جلال آل احمد و... یافت. شاعران ارجمندی به میدان آمدند و به مرور هر چه تمایزات شعر انقلاب از شعر چپ بیشترمشخص شد.

من این تمایزات را در کتابی جمع‌آوری کرده‌ام. مشخصاً یک فصل در مورد هنر انقلاب اسلامی و هنر چپ صحبت کرده‌ام که آن هنر(هنر چپ) یک هنر ماتریالیستی بوده، محدود به ساحت مادی زندگی، شاعران چپ همه جهان و عالم را به این شکل معنا می‌کنند. خب این نوع نگرش در نگاه، زیست، زندگی، رفتار آنها و ادب و هنرشان تاثیر مستقیم داشت.

جریان و ادبیات منتسب به هنر کمونیستی و مارکسیستی سبک رئالیست سوسیالیستی دارد، اما واقع‌گرایان در هنر انقلابی موج می‌زند. ما در پس واقعیت به باطن هستی می‌رسیم. نشانه گزایی‌هایی که در شعر انقلاب اسلامی هست ریشه در همین نگاه باطنی دارد. مثل نمازگرای‌هایی که به عاشورایی بازمی‌گردد.

*** آیا شعر پس از انقلاب را می‌توان به دسته‌ها و دوره‌های تقسیم‌بندی کرد یا همگی در یک پیکره‌اند؟**

ما باید شعر انقلاب را به سبک‌های جزئی‌تر تقسیم‌بندی کنیم. البته این یک بحث کلی و مینمای تر است. ما می‌توانیم سبک‌های مختلف را از یک منظر پیکره واحد بگیریم و از یک منظر متمایز. مثلاً تقسیم‌بندی ادبیات کهن و ادبیات

جریان و ادبیات منتسب به هنر کمونیستی و مارکسیستی سبک رئالیست سوسیالیستی دارد، اما واقع‌گرایان در هنر انقلاب موج می‌زند. ما در پس واقعیت به باطن هستی می‌رسیم. نشانه‌گرایی‌ها در شعر انقلاب اسلامی مثل نمادهای عاشورایی کاملاً مشهودند.

نورا قابل شسویم. اما در عین حال با نگاه ریزتری در دل ادبیات کهن می‌توان به سبک‌های عراقی، هندی، خراسانی و... رسید.

حالا اگر یک مقدار زاویه دیدمان را تغییر دهیم و جزئی‌نگرانه‌تر بنگریم، می‌توانیم در دل همین سبک‌ها، سبک‌های فرعی‌تر دیگری ببینیم که تا جایی که به سبک‌های فردی برسیم، مثلاً سبک